

تفسیر کلمه

قضا و قدر

برای احتراز و دوری از هر گونه اشتباه لازم است
معنی این دو کلمه (قضا و قدر) را از نظر ریشه لغوی
بدرستی مورد بررسی قرار دهیم

ایجاب، «اعلام و اخبار» «اتمام و فراغ»، «حکم و داوری»، استعمال گردیده است و برای هر يك از این معانی با آیه‌ای از قرآن استدلال نموده است (۱) که نقل و توضیح آنها، بطول می‌انجامد. برخی گام رافرا تر نهاده، و برای لفظ یاد شده ده معنی نقل نموده و برای هر يك، با آیه‌ای نیز استشهد کرده است (۲) مرحوم علامه حلی در شرح تجرید، برای این لفظ سه معنی یاد آور شده است (۳)

پیش از آنکه، به بیان حقیقت قضا و قدر از نظر قرآن و احادیث اسلامی، و مقتضای اصول فلسفی بپردازیم، شایسته است که معنی این دو لفظ را از نظر عرف و لغت عرب روشن سازیم. لفظ «قضاء» در قرآن در معانی مختلفی (در عین حال نزدیک بهم) بکار رفته است حتی استاد کلام شیعه مرحوم شیخ مفید، ادعاه کرده است که لفظ مزبور در قرآن در معانی گوناگونی مانند: «امرو

(۱) شرح عقائد صدوق ص ۱۹

(۲) توحید صدوق ص: ۳۸۵ چاپ مکتبه صدوق

(۳) کشف المراد چاپ سیدا ص ۱۹۵

است (۱)

اگر قرآن تکالیف الهی مربوط به پرستش خدای یگانه، و نیکی به والدین را به لفظ، «قضاء» آورده و میفرماید .

وقضى ربك الاتعبد والایاه وبالوا

لدين احسانا . اسراء ؛ ۲۳ : «خداوند دستور داده است که جز او را نپرستید، و به پدران و مادران نیکی بنمائید» برای استحکام و اتقانی است که در او امر خداوند وجود دارد . و همچنین است معانی دیگری که بر این لفظ بیان شده است .

راغب در کتاب مفردات (۲) ریشه دیگری برای این معانی، تصور نموده و میفرماید : حقیقت قضاء در عرف و لغت، فیصله دادن و یکسره کردن هر کاری بوسیله قول و لفظ، یا فعل و عمل میباشد، سپس بسیاری از آیات گذشته را بر این معنی تطبیق نموده است شاید گفته هر دو دانشمند لغت شناس، به يك حقیقت بازگشت میکنند، زیرا یکسره کردن کار و فیصله دادن به موضوع بوسیله فعل و یا قول، بر اثر استحکام و قدرتی است که فعل انسان یا قول او دارد که به هرج و مرج و نابسامانی پایان می بخشد نتیجه بحث اینکه : هر نوع کاری که دارای اتقان و استحکام، قطعیت و ضرورت است، و حالت یکطرفی بخود گرفته و از تزلزل و تردد پیراسته میباشد، «قضاء» نامیده میشود .

* * *

فعلا، شماره معانی این لفظ، برای ما مطرح نیست آنچه مهم است این است که بدانیم حقیقت و روح همه این معانی (اگر چه بصورت معانی مختلفی جلوه میکنند) یکی است و به عبارت صحیحتر، همه اینها از حقیقت واحدی حکایت می نمایند و از تمام این معانی به ظاهر مختلف يك معنی جامع، تجلی میکنند نخستین کسی که به این مطلب توجه نموده است لغت شناس معروف زبان عرب احمد بن فارس بن زکریا در تالیف نفیس خود «المقاییس» که برای تعیین ریشه معانی مختلف الفاظ، نوشته شده است، میباشد. وی در این کتاب می نویسد :

برای معانی لفظ «قضاء» يك ریشه بیش وجود ندارد و آن انجام دادن هر کاری در نهایت اتقان و استحکام است و در هر کاری که با پایداری و استواری خاصی انجام میگردد، به آن «قضاء» میگویند مثلا از آنجا که آسمانها با استواری خاصی آفریده شده اند خداوند؛ خلقت آنها را با لفظ «قضی» بیان نموده است چنانکه می فرماید **فقضا هن سبع سموات** (فصلت - ۱۲) آسمانها را با استواری کاملی آفرید، و خلقت آنها را به پایان رسانید.

از آنجا که حکم قاضی، معمولا استحکام خاصی دارد، و لازم الاجراء است، حکم او را «قضاء» و شخص او را «قاضی» می نامند .

اگر در زبان عرب به «مرك» «قضاء» میگویند از این نظر است که مرك در موجودات زنده، به صورت يك ناموس طبیعی تغییر ناپذیر شناخته شده

(۱) المقاییس ج ۵ ص ۹۹

(۲) مفردات ص ۲۰۶

بررسی لفظ « قدر »

« قدر » همانطور که از موارد استعمال آن استفاده میشود، به معنی حد و اندازه است، و این لفظ در قرآن در این معنی زیاد استعمال شده است مانند:

انزل من السماء ماء فسال اودية بقدرها (رعد : ۱۷) از آسمان آب نازل نمود، سیلاب در دره‌ها به اندازه خود جریان یافت.

قد جعل الله لكل شیئی قدراً . (طلاق - ۳) خداوند برای هر چیزی اندازه و حدی تعیین نموده است .

والله یقدر اللیل والنهار زمزم ۲۰ « خداوند شب و روز را اندازه گیری و تعیین میکند .

وما ننزله الا بقدر معلوم (الحجر : ۲۱) هر چیزی را با اندازه محدودی نازل می‌کنیم .

ابن فارس میگوید : ارزش و اندازه هر چیزی را « قدر » به فتح دال و با قدر به سکون آن، میگویند و اگر گاهی در معنی ضیق استعمال میشود مانند **ومن قدر علیه رزقه** (الطلاق : ۷) : و کسانی که از نظر زندگی در فشار و ضیق هستند، برای این- است که چنین افراد امکانات به اندازه کم و محدود در اختیار دارند» (۱)

« راغب » میگوید : تقدیر در اشیاء این است که خداوند هر چیزی را به مقتضای حکمت بآله خود به اندازه خاصی آفریده است زیرا موجودات جهان بر دو نوعند .

قسمتی از آنها ؛ موجودی است ، که به طور

(۱) المقایس ج ۵ ص ۶۳

(۲) نقل از مفردات راغب ص ۳۹۵ با تلخیص و توضیح لازم

دفعی آفریده شده اند ، و جنبهٔ تدریجی ندارند مانند موجودات مجرد .

دسته دیگر موجوداتی است که اگرچه اصل و ریشه آنها بطور فعلی وجود دارد ؛ ولی نیاز به گذشت زمان دارند تا این ریشه برای آن هدفی که آفریده شده است برسد مثلاً هسته یک درخت اگر چه بالفعل وجود دارد ، ولی زمانی بس طولانی لازم است ؛ تا هسته‌ای درخت شود ، و نطفه انسانی ، انسان گردد . خداوند وجود یک درخت سیب و یا وجود انسان را ، آن چنان اندازه گیری کرده که یک هسته یا یک نطفه ، پس از طی مراحلی به هدفی که برای آن آفریده شده‌اند برسند (۲)

شاید برای اشاره به این حقیقت است که قرآن میفرماید : **والذی قدر فهدی** (اعلی : ۳) وجود هر پدیده‌ای را با اندازه گیری خاصی آفرید و آنرا به هدفی که باید به آن برسد ، راهنمایی نمود . در حدیثی که یونس بن عبدالرحمان که از رجال علمی شیعه است از حضرت رضا (ع) نقل کرده‌است حقیقت معنی قدر و قضاء به نحوی که ، توضیح داده شد ، کاملاً منعکس می‌باشد .

میگوید به حضرتش عرض کردم قدر چیست ؟ فرمود :

هی الهندسه ووضع الحدود فی البقاء والفناء !

قدر عبارت است از مهندسی و اندازه گیری موجودات و تعیین مقدار بقاء و هنگام فناء و نابودی

آنها. سپس میگوید: عرض کردم «قضاء» چیست؟
فرمود: هو الایرام واقامة العین (۱) ایجاد اشیاء
و پیا داشتن آنها.

توضیح اینکه هر فاعلی پیش از انجام هر کاری
حدود آنرا، تحدید و تعیین مینماید. خیاط پیش
از آنکه پارچه را پاره کند و یا دست بنخ و سوزن
ببرد؛ پارچه مورد نظر و بدن شخصی را که لباس
برای او میدوزد، اندازه گیری مینماید، درودگر، پیش
از ساختن در، به اندازه چوب، و اندازه محلی را که
در لازم دارد، تعیین میکند، (۲) و این همان
وقدر است.

ولی قضاء مرحله، قطعیت و ایرام و ضروری بودن
وجودشیی است،

* * *

گاهی محل این قطعیت همان اندیشه و فکر
و علم است؛ و شخص عالم و آگاه از نظام علل و معالیل
میداند که پدیده‌ای روی علل خاصی که از وجود
آنها آگاه است، در وقت معینی قطعی و ضروری است
و بطور قطع و یقین از علت خاص خود، صادر خواهد
گردید.

احیانا این قطعیت عینی و خارجی است، و هر
علتی حامل ضرورت وجود معلول خود میباشد و از

پیشانی، هر علتی، ضرورت پدیده‌ای که معلول آن
است، خوانده میشود.

همچنین، تقدیر مرحله اندازه گیری و تحدید
معلول است و آن نیز دارای دو مرحله است.

مرحله‌ای از آن، کاملاً علمی و فکری است،
یعنی در نظام هستی، فردی پیدا میشود بر اثر علم
محیط و وسیع خود، از خصوصیات وجودی هر
پدیده‌ای کاملاً آگاه است، و این همان تقدیر علمی
است.

و مرحله دیگر از آن، عینی و خارجی است؛ زیرا
هر یک از اجزاء علت تاثیر خاصی در معلول می‌گذارند
و در حقیقت همانطور که ضرورت معلول از ناحیه
علت است همچنین، تمام اشکال و الوان و خصوصیات
معلول از جانب علت میباشد، و در فعل انسان علاوه بر
علل دیگر، روحیات و ملکات فاضله و مادی اخلاق
فاعل، در نحوه فعل و تعیین سائر جهات آن کاملاً،
مؤثر بوده و آنرا به رنگ خود در می‌آورند.

بنابراین برای هر یک از قضاء و قدر دو مرحله
است، **مرحله عینی؛ و خارجی، و مرحله
علمی و فکری.** و ما بخواست خداوند، در
شماره آینده درباره هر دو مرحله توضیحات کافی
خواهیم داد.

(۱) اصول کافی باب جبر و قدر چاپ سنگی ص ۷۵

(۲) تملیق استاد علامه طباطبائی بر اسفار ج ۶ ص ۲۹۲